

متن عریضه است که قوام السلطنه از پاریس به پیشگاه ملوکانه تقدیم داشته و راجع به تغییر قانون اساسی خصوصاً ماده ۴۹ تفسیراتی نموده اند که ذیلاً بنظر عموم میرسد .

عریضه سرگشته قوام السلطنه

با کمال تأسف فدوی مجبور است بعرض حضور مبارک برساند که جریان فعلی امور ممالکت و تزلزلی که اخیراً به علت عدم اعتنا بوقایع امور در قانون اساسی پدیدار گشته خطرات عظیمی را فراهم ساخته است که نه تنها بر ارکان کشور بلکه بر اساس سلطنت ملی نیز لطمه کلی وارد نموده است

فدوی بواسطه عارضه کسالت و لزوم معالجه در اروپا بودم که اطلاع حاصل کردم تصمیم بانعقاد مجلس موسسان گرفته شده است حاجت بتوضیح نیست که در حاضر نمودن اشخاص بنام موسسان و تحصیل آراشی از ایشان بچگونه رعایت لازمه حقوق ملت ایران و پایه و اساس حکومت ملی منظور نشده و جز تزلزل ساختن قانون اساسی کشور که زمان بقای حکومت ملی و مشروطیت است و فرد فرد وزرای دولت ذمه دار و مسئول حفظ و قایم آن بوده و هستند و بخصوص مراعات کامل آن از نظر جهت اقلیتی و سیاسی برای ملت ایران از اهم امور است نتیجه دیگری حاصل نگردیده و حیرت بر حیرت افزوده شده است که در افتتاح مجلسین اعلیٰ حضرت همایونی تسکین فرموده اند در باره ای از اصول قانون اساسی نیز تجدید نظر شود و مخصوصاً اصل ۴۹ قانون اساسی را تغییر دهند بنده از نظر پنجاه سال تجربه و سابقه خدمتگزاری صریحاً بعرض میرسانم که برای مملکت هیچ خطری بزرگتر و لطمه ای عظیم تر از این نیست که تنها وثیقه بقای ایران یعنی قانون اساسی وسیله بازپس و دستخوش تغییر و تبدیل گردد و مناسبتی که در طی هرایش مکرر چه بالواسطه و چه بلاواسطه نتوانسته ام توجیه اعلیٰ حضرت را بطرف خود معطوف نمایم تا بتوانم حقایق را در خیر مملکت و صلاح شخص اعلیٰ حضرت بعرض برسانم باید اعلیٰ حضرت قبول فرمایند که ماحصل قانون اساسی که حاوی حقوق ملت ایران است در این اصل ۴۹ مندرج شده و در زمانیکه سلاطین استبداد و حکومت مطلقه مملکت را تحت استیلائی قادرانه خود داشتند و هیچگونه حقی برای مردم نمی شناختند و خود را با لوازمه داری هر نوع حقی می دانستند بالاخره حق شاهان مردم را طبق این قانون اساسی تصدیق نموده خود را نماینده ملت ایران و سلطنت راودیده ای از طرف ملت برای خود تشخیص دادند و اعلیٰ حضرت پادشاه لئیم نیز در ملی بیست سال سلطنت با قدرت مطلقه بیبج وجه تغییر مواد مربوط بتقویت ملت ایران را در مغایله خود راه ندادند اینک با صدور منشور ملل متفق و اعلامیه عمومی حقوق بشر که از طرف معالک معظمه منتشر گردیده و دنیا حقوق بیشتری برای مردم گیتی شناخته است اعلیٰ حضرت همایونی که حفظ و صحابه قانون اساسی را برعهده گرفته و



سوگند یاد فرموده اند چگونه امر میفرمایند این وثیقه محکم را که در دست مردم ایران است از ریشه و بنیان برهم زنند و قوانین مصوبه مجلس شورای ملی را که از درین مجلس سنا هم با اشکالات متصوره بگذرد قابل تعویق یا تعلیق یا توقیف گردانند و توجه فرمایند که وقوع چنین فکر در حکم تعطیل قوانین و محو و انقائ مشروطیت است و با اللرض اگر امروز بسکوت بگذرد و معدودی برای خوش آمد اعلیٰ حضرت یا در نتیجه تهدید و تطمیع در پیشرفت آن موافقت نمایند و ای بر حال امروز و آنچه آنها که سکوت و موافقت کرده اعلیٰ حضرت را بیخاطرات عظیم آن متوجه ننموده اند باید بی برده غرض شود که اگر می گویند در تمام مدت مشروطیت ایران قوانین برخلاف مصالح کشور از مجلس گذشته است که اکنون تغییر اصل ۴۹ را ایجاد نموده توضیح دهند کدام قانون که بجز بران طبعی گذشته و فشار حکومت در آن راه نداشته مخالف مصالحت بوده است تا در آن تجدید نظر شود نه اینکه بیهانه موهوم حق مسلم و معلوم ملت را طوری از پا بر ریشه قطع کنند که از حکومت ملی و مشروطیت ناموشانی نه اند و در موارد معلوم که حاجت بتوضیح نیست جزندامت و انفسوس اثری باقی نماند.

بر واضح است که با بودن همین قانون اساسی بر کسی پوشیده نیست که متصفیان امور از قدرت خود استفاده نموده و مقامات نظامی و شهر با ایجاد موارد مختلف مردم را در تنگنا و زحمت گذارده و بر بدبختی و بیچارگی مردم افزوده اند چه رسد به آنکه دیگر در مملکت قانونی عرض وجود نمایند یا دستخوش هوا و هوس جمعی مغرض و متملق واقع شود .

برای بنده فرس است بحکم تجربیات گذشته و خدمتگذاری طولانی در این موقع که چنین آزاده ای فرموده اند علناً بالصراحت بعرض برساند که این تصمیم از هر جهت مضر و خطرناک و برخلاف مصالح عالیه کشور است و اشکالات بسیار و عواقب ناگواری را نه فقط برای شخص اول مملکت ایجاد خواهد کرد و از نظر سیاست بین المللی نیز برای کشوری ضعیف مانند ایران در حکم سمی مهلک است و بهین نظر بوده است که در قانون اساسی ایران طبق اصل ۴۹ شخص پادشاه را از مسئولیت مبری دانسته اند و در نتیجه همین عدم مسئولیت است که تمام موارد بیکه مربوط بفرماندهی کل قوی و عزل و نصب وزرا و سفرا و اعلان صلح و جنگ و صلح و امضای فرامین و آنچه از این قبیل است عموماً دارای جنبه تشریفاتی میگردد و این حقوق فقط وقف ناشی از ملت ایران است که بودجه عمومی مملکت را از نظام و غیر نظام از دستر اچ و مجرومیت های خود برداشته و تمامی این حقوق را در محیط اختیار و اقتدار نمایندگان خود گذارده است که از طرف نمایندگان ملت یعنی مجلس شورای ملی و ستا و وسیله رای نماین و اعتمادیه وزرا تفویض میشود و بعدی است در غیر این صورت مشروطیت یعنی حکومت ملی و مسئولیت وزرا مفهوم خارجی نخواهد داشت چه اگر شخص پادشاه مداخله در امور مملکت کند و حکومت فرماید طبعاً مورد مسئولیت واقع میشود و طرف بشن و خاندان همه واقع میگردد و چنین نتیجه ای اقلی منظور قانون گذار را مینماید و منجس اختیارات رئیس جمهور امریکا یا سولس پادشاه ایران غیر وارد است زیرا آنها اگر از حدود خود تجاوز کنند در آینده از

انتخاب مجدد محروم و محاکمه میشوند در صورتیکه طبق قانون اساسی سلطنت ایران مقامی ثابت و از تغییر و تبدیل معصوم و محفوظ است چنانکه در کشور بزرگ انگلستان و سوئد و بلژیک که نمونه بارز این نوع سلطنت هستند هیچگونه حقی از این قبیل برای شخص پادشاه منظور نشده است

باتوضیحات معروضه استدعا دارد بگفته های مغرضین و متملقین توجه نشود و از چنین تصمیم خطرناک تا زود است انصراف فوری حاصل فرمایند زیرا قوانینی که از مجلس شورای ملی می گذرد ب مجلس سنا خواهد رفت در سنا که اعضای آن از طرف اعلیٰ حضرت تعیین می شود مراقبت لازم را نسبت به حدود مسئولیت خود خواهند نمود فدوی مکلف است بعرض برساند و خاطر مبارک را متوجه کند که تغییر اصل ۴۹ قانون اساسی که علاناً قانون گذاری را موقوف و بدست قوه مجریه می سپارد کار ساده و آسانی نیست و یک چنین خطای ملی و گناه سیاسی را منتخبین سنا و نمایندگان مجلس شورای ملی مرتکب نخواهند شد زیرا این فکر در حکم بازگشت حکومت مطلقه در ایران است که در زمان محمد علی میرزا نیز جرئت پیشنهاد تصویب آن را نداشته اند و این تعطیل مشروطیت هنگام بسط و توسعه آزادی دنیا نتایجی را در بر خواهد داشت که از مشاهده دور نمای و اختیاری آن لرزه بر اندام دوستان دران مقام سلطنت می افتد در موقع تشکیل مجلس موسسان بنده در ایران نبودم و الا در توضیح کامل اقدام بانصراف اعلیٰ حضرت همت می گذاشتم و در ایام اخیر هم به نیت اینکه توضیحات لازمی را بعرض برسانم یا شدت مرض بطهران آمدم ولی مسافرت اعلیٰ حضرت مانع انجام وظیفه شد از طرف دیگر ناخوشی بنده مجال نداد در تهران توقف نمایم ناچاراً اکنون وظیفه خود را نسبت بمصالحات ملک و ملت شخص اعلیٰ حضرت باین وسیله انجام بریده در صورتیکه برایش صادقانه فدوی ترتیب اثر نمهند و باز مجده و مصر بر چنین اقدام باشند دیری نخواهد گذشت که ملاحظه خواهند فرمود این عمل موقتی و زود گذر و نتایج آن بسیار وخیم و بی شبهه بضم و غضب ملی و مقارنه شده به عامه منتفی خواهند گردید و آن روز است که سر نیزه و حبس و زجر مردمان این حقوق ملت علاج پریشانیها و بشیمانیها را خواهد نمود

معرضه ۱۲۶-۱۲۸

احمد قوام